

سفر بی بازگشت شکوفه های نشکفته

محمد صالح مصلحیان

رئیس انجمن ریاضی ایران- عضو فرهنگستان علوم، و مدیر پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد

با ظهور اینترنت و فراگیر شدن رسانه‌های اجتماعی، تصویر مبهمی که از کشورهای توسعه یافته در ذهن مردم سایر کشورها نقش بسته شده بود واضح شده و سطح انتظارات آنها از طریق دسترسی آزاد به اطلاعات، وسعت یافته است.

در عصر حاضر، همه، به ویژه جوانان، به دنبال یک دورنمای روشن و انگیزه بخش و امکاناتی برای زندگی بهتر و نیز تحقق آرمان‌هایشان هستند. اگر همدلانه عمل نکنیم و نتوانیم چشم اندازی جذاب و دست یافتنی و امید به افزایش سطح درآمد در اختیار آنها قرار دهیم و نتوانیم محیطی را برای آنها آماده سازیم که بتوانند کارآمدی خود را نشان دهند، آن دورنما را فراتر از مرزهای جغرافیایی جستجو خواهند کرد.

بدون چنین چشم اندازی، جریانی بوجود می‌آید که عده زیادی، از دانش آموزان دبیرستان تا دانش آموختگان دکتری و حتی لایه‌های بالاتر سنی، را در بر می‌گیرد و ما را به صدر فهرست کشورهای صادرکننده میوه ای به نام «نیروی انسانی توانمند» می‌رساند؛ عده‌ای از آنها بی هم که امکان مهاجرت ندارند سرخورده و مأیوس خواهند شد.

باید پذیرفت که در این قرن، دیگر سرمایه یک کشور به نفت و معادن خلاصه نمی‌شود، بلکه منابع خوب انسانی به عنوان مهمترین سرمایه اصلی آن کشور و نیروی جلورونده پیشرفت تلقی می‌شوند. اهمیتی که امروزه کشورهای توسعه یافته برای مغزهای نوآور و ارزش آفرین قائل هستند، هزاران برابر اهمیتی است که تا چند دهه قبل به منابع مادی داده می‌شد.

مهاجرت نخبگان شکل ناهمگونی از مبادله یک سویه علمی بین کشورها است. کشورهای توسعه یافته با درک ضرورت به کارگیری علم و فناوری های پیشرفته برای رسیدن به توسعه، با برخورداری از یک نظام آموزشی پیشرو فراهم کردن امکانات و تجهیزات نوین تحقیقاتی، احترام درخور به پژوهشگران، دارا بودن یک نظام حمایتی مؤثر از محققین، ارزش دادن به آزادی‌های مدنی، و تأمین آینده‌ای روشن برای افراد توانمند از آن بهره می‌برند.

کارشناسان اقتصادی معتقدند در دنیای کنونی که اقتصاد مبتنی بر سرمایه جای خود را به اقتصاد دانش محور داده است، از دست دادن منابع فاخر انسانی، کشور را با مشکلات جبران ناپذیری روبرو خواهد ساخت. این مشکلات، کمبود نیروی کارآمد و کاردان به ویژه برای نوآوری های علمی و فناوری، ارزش آفرینی فرهنگی، خلق ثروت، و مدیریت پویا را در بر می‌گیرد و علی‌رغم همه اقدامات دلسوزان کشور، موجب کند شدن پیشرفت اقتصادی خواهد شد. بر اساس گزارش بانک جهانی، ایران سالانه ۵۰ میلیارد دلار در اثر فرار مغزها متضرر می‌شود که دو و نیم برابر میزان صادرات نفت ایران در یک سال اخیر است.

از طرفی تصمیمات نامناسب در کشور می‌تواند موجب تضعیف حس ملی گرایی شده و به نوبه خود باعث شود افراد با استعداد هیچ اصراری بر کسب افتخارات ملی برای کشور خود نداشته باشند. اما مهمتر از آن این است که تا وقتی مفهوم توسعه و نقش علم مبهم باشد، تا وقتی به علم به عنوان یک امر تجملی نگریسته شود، و تا وقتی به عالمان کشور بهای شایسته داده نشود، نمی‌توان انتظار داشت که آهنگ کوچ نخبگان کاهش یابد و همانی می‌شود که نباید بشود، یعنی به نقل از رسانه‌ها، ضرری بیشتر از ۳۰۰ برابر هزینه های جنگ ایران و عراق برای اقتصاد کشور در اثر فرار مغزها اتفاق می‌افتد.

اما برای جلوگیری از مهاجرت مغزها چه راهی می‌توانیم در پیش بگیریم. به نظر می‌رسد که باید رویکردی چندجانبه اتخاذ کنیم و اقداماتی موازی یکدیگر انجام دهیم: نخست این که مدینه فاضله افلاطون شایسته توجه است که می‌گوید باید حاکمان حکیم و حکیمان حاکم باشند. شاید با گسترش دیدگاه‌های فلسفی خود و با تبادل بین‌المللی

از جمله بازدید از مراکز تحقیقاتی، سازمان های دولتی، مراکز تولیدی و شرکت های تجاری در کشورهای توسعه یافته، بتوانیم درکمان از معانی جدید توسعه، رفاه، علم، و فناوری در قرن معاصر را گسترش دهیم و به یک استراتژی صحیح توسعه دست یابیم.

همچنین باید تربیت و آموزش ضمن خدمت معلمان، برنامه های آموزشی و کتاب های درسی از مدرسه تا دانشگاه با پیشرفتهای نوین علمی و فناوری و علائق و نیازهای محصلین همسو شده و به روزرسانی شوند. آموزش حافظه محور باید جای خود را به آموزش های مبتنی بر ارتقای خلاقیت و تعالی حس کنجکاوی محصلین دهد و آن ها را به لذت بردن از فهم طبیعت ترغیب نماید. امر مهمی که بدون انگیزه دادن به معلمان و احترام به منزلت آن ها میسر نمی شود.

به علاوه، باید بر اساس تجربه جهانی، سهم پژوهش از درآمد ناخالص ملی، طی یک دوره ۵ ساله، از نیم درصد به حداقل دو و نیم درصد افزایش یابد، چرا که به قول قدیمی ها، بدون مایه فطیر است، یعنی بدون بودجه پژوهشی نمی توان امکانات، مواد و تجهیزات آزمایشگاهی مناسب تهیه کرد، زیرساخت های پژوهشی را تأسیس کرد، به حمایت از مراکز توسعه فناوری پرداخت و به معیشت محققان جوان کمک کرد.

در قدمی دیگر باید برای بهره وری از توانایی های متخصصان و محققان، حمایت از آنها، ترغیب ایشان به ارتقای مهارت های خویش، برنامه ها و شیوه نامه های مؤثره با ثبات، چاپک و انگیزه بخش با تکیه بر تجربه جهانی و نیازهای جامعه و صنعت، وضع نماییم و آن ها را اجرا کنیم.

و سرانجام باید استراتژی های کسب و کار برای افزایش سطح درآمد جوانان، ایجاد اشتغال با تکیه بر شایسته سالاری و ایجاد یک دورنمای روشن و قابل پیش بینی از زندگی آرامش بخش دنبال شوند.

فرار مغزها از دست دادن سرمایه های انسانی گرانقدر و یک آسیب در سطح ملی است. بحرانی که به مرور باعث می شود میانگین سطح هوشی کشور کاهش یابد، بنیه علمی کشور ضعیف گردد، کاهش بهره وری و تولید ایجاد شود و خلاصه به جامعه، فرهنگ و اقتصاد ضرباتی جبران ناپذیر وارد آید. بی توجهی به این مهم می تواند موجب ناامیدی دغدغه مندان پیشرفت کشور و مایه شرمساری در نزد آیندگان شود.